

ساختار طبقات اجتماعی کردهای مکریان و نظام ارزشی آنها

شورش اک^۱

امیر ملکی^۲

محمدجواد زاهدی مازندرانی^۳

یعقوب احمدی^۴

چکیده

صرف نظر از اینکه موضوع ضرورت مساوات و از میان رفتن طبقات تا چه اندازه آرمانی است، قشربندی در جامعه یک واقعیت اجتماعی است و جوامع بشری دارای سلسله مراتب، طبقات و پایگاه‌های اجتماعی متفاوت اند. عضویت در یک طبقه اجتماعی و نیز داشتن منزلتی خاص، تعیین کننده ارزش‌ها، اهداف زندگی و سبگیری‌های کلی نسبت به موضوعات انسانی و اجتماعی است. نوشتار حاضر با هدف تحلیل جامعه‌شناختی ساختار طبقات جامعه کردهای مکریان و بررسی تغییرات آن در طول نیم قرن اخیر (با تکیه بر ساختار طبقاتی شهر مهاباد) و نیز بررسی نظام ارزشی آنها صورت گرفته است. روش تحقیق، روش ترکیبی و مشتمل بر دو رهیافت کیفی (تحلیل تاریخی جهت بررسی ساختار طبقاتی جامعه) و کمی (سنجش و بررسی نظام ارزشی طبقات) است. جامعه آماری شامل کلیه افراد ساکن در مطقه مکریان است. در بخش کیفی تحقیق کل جامعه مورد مطالعه و در بخش کمی تحقیق بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای، شهر مهاباد به عنوان نمونه انتخاب و حجم نمونه مقتضی با توجه به حداکثر میزان پراکندگی و خطای ۵ درصد ۳۵۶ نفر تعیین شد. در بخش تحلیل تاریخی، بر اساس اسناد و مدارک معتبر، ساختار طبقاتی جامعه از گذشته تا حال مورد بررسی قرار گرفته و در بخش کمی تحقیق، داده‌ها به وسیله مقیاس استاندارد ارزشهای فرهنگی شوارتز سنجش و با استفاده از آزمون آنالیز واریانس یکطرفه مورد تحلیل واقع شده است.

بر اساس نتایج بخش کیفی تحقیق، جامعه مورد مطالعه شامل چهار نوع قشر اجتماعی: مردم عادی (کرمانج)، خوانین، شهری اصیل (ساباغی) و سادات می باشد که دارای ساختار طبقاتی نسبتاً بسته بوده و بیشتر بر معیارهای انتسابی و اصل و نسب استوار است و در کل خصوصیات قشربندی در جوامع کمتر توسعه یافته را داراست. یافته‌های مربوط به بخش کمی تحقیق حاکی از وجود تفاوت معنی دار در بیشتر ابعاد مقیاس فرهنگی شوارتز (برانگیختگی، لذت‌گرایی، موفقیت، قدرت‌گرایی، وجهه، امنیت‌گرایی، همنوایی، سنت‌گرایی، خیرخواهی و جهان‌گرایی) و عدم تفاوت معنی دار در بعد استقلال در بین طبقات چهارگانه می باشد. نتایج تحقیق با بسیاری از نظریات مطرح شده در تحقیق از جمله نظریه طبقاتی مارکس، نظریه منزلت اجتماعی وبر و نظریات پیر بوردیو، همچنین با نتایج پژوهش‌های قبلی از جمله تحقیقات لهسایی زاده، قاسمی و جواهری همخوانی دارد.

واژگان کلیدی

زندگی مطلوب، طبقات اجتماعی، نظام ارزشی، مکریان، جامعه کرد و ...

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور و دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور
Email: tawar1363@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور
Email: malekipnu@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور
Email: m_zahedi@pnu.ac.ir

۴. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور
Email: yahmady@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۴ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۳/۱۵

طرح مسأله

افراد جامعه در مناسبات متقابل خود با دیگران، آنها را در موقعیت‌های بالا و پایین طبقه بندی می‌کنند. بدین خاطر، جامعه دارای بخش‌های مختلف و متشکل از قشرهای گوناگون است که با نظام سلسله مراتبی موجود جامعه مطابقت دارد. بخش ممتاز و قدرتمند جامعه، بالاترین قشر را اشغال می‌کند و معمولاً بصورت تافته جدا بافته با آنها رفتار می‌شود. صرف نظر از معیارهای تخصیص مواضع در سطوح گوناگون ساختار اجتماعی و جدا از اینکه ضرورت مساوات و از بین رفتن طبقات اجتماعی تا چه حد آرمانی است، قشر بندی در جامعه یک واقعیت اجتماعی است و جوامع بشری دارای سلسله مراتب، طبقات و پایگاه‌های اجتماعی اند. عضویت در یک طبقه اجتماعی، تعیین کننده دو عامل مهم و اثر گذار در زندگی افراد یعنی « شیوه زندگی » و « فرصت‌های زندگی » است. شیوه زندگی را نحوه تفکر درباره جهان اجتماعی می‌دانند که شامل ارزش‌ها، اهداف زندگی و سوگیری‌های کلی نسبت به همه امور است. به سخن دیگر، سبک زندگی و نظام ارزشی افراد تا حدود زیادی به تبع وابستگی طبقاتی آنها مشخص می‌شود.

نابرابری اجتماعی وضعیتی است که در چارچوب آن، انسان‌ها دسترسی نابرابری به منافع با ارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دارند (لهسایی زاده، ۱۳۸۳: ۶) و به طور کلی تر به تفاوت‌هایی میان افراد اشاره می‌کند که بر نحوه زندگی آنها، خاصه بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آنها برخوردارند، تاثیر دارد (گرب، ۱۳۷۹: ۱۰) همچنین در منابع جدید نابرابری به وجود تفاوت‌های دایمی و منظم در قدرت خرید کالاها، خدمات و امتیازات میان گروه‌های معینی از مردم که شاخص آن نابرابری در پاداش به کار است، تعریف شده است (ملک، ۱۳۸۲: ۱۰۳). در جوامع ما قبل سرمایه داری، قشر بندی اجتماعی عمدتاً پیامد نابرابری‌های ذاتی به شمار می‌آمد و امری طبیعی یا تقدیر الهی محسوب می‌شد (Crompton, 1993: 93) به عنوان مثال ارسطو در کتاب «سیاست»، بردگی را امری طبیعی و سودمند می‌داند و می‌گوید که برخی از مردم برای عبودیت و برخی دیگر برای حکومت معین شده‌اند (بارنز و بکر، ۱۳۷۰: ۲۳۵). قشر بندی اجتماعی نظامی است که افراد را بر حسب میزان برخورداری‌شان از کیفیت‌های مطلوب رتبه بندی می‌کند و این کیفیت‌های خوشایند را فرهنگ هر جامعه‌ای مشخص می‌کند (کوئن، ۱۳۸۸: ۱۷۸). در حقیقت قشر بندی اجتماعی رده بندی گروه‌ها و افراد بر حسب سهم آنان از دستاوردهای مطلوب و حایز ارزش اجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۷۳۱). گرب قشر بندی اجتماعی را پیوستار یا نردبانی متشکل از مقوله‌هایی مجزا دانسته است (گرب، ۱۳۷۹: ۱۲۹). تامین هم قشر بندی اجتماعی را توزیع افراد هر گروه اجتماعی یا جامعه بر روی یک «مقیاس موقعیت» تعریف کرده است (تامین، ۱۳۸۵: ۲۱). در مقام مقایسه باید اشاره کرد که نابرابری اجتماعی مجموعه‌ای از تفاوت‌های میان افراد و گروه‌ها از نظر میزان دسترسی به

منافع مادی و نمادین است، حال آنکه قشربندی اجتماعی نظامی منسجم و رتبه بندی شده مبتنی بر نابرابری های اجتماعی است. اصطلاح نظام قشربندی شده به پیچیدگی نهادهای اجتماعی اشاره می کند که نابرابری های قابل مشاهده این دسته بندی را تولید می کند. (Grusky, 2001: 443-452)

قشربندی اجتماعی از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت است (تغییر افقی) و ساختار آن در طول زمان و تحت تاثیر عوامل و تغییرات مختلف اجتماعی نیز تغییر خواهد کرد (تغییر عمودی). این تغییرات ممکن است در جامعه ای سریع و در جامعه دیگر کند باشد. جامعه ایران نیز طی پنجاه سال اخیر سریعاً و از جهات مختلف روبه تغییر بوده است. این تغییرات تحت عوامل مختلف از جمله انقلاب سفید، صنعتی شدن جامعه، ارتباطات شهرنشینی، گسترش آموزش و پرورش و ... صورت گرفته است. عوامل مذکور علاوه بر اینکه پیامدهایی در زمینه تغییر در قشربندی اجتماعی، نظام رفتاری و ارزشی کل جامعه ایران داشت، در نقاط مختلف ایران مخصوصاً کردستان باعث تغییرات فوق العاده اجتماعی و اقتصادی گشت.

جامعه کردستان ایران به لحاظ جغرافیایی دارای موقعیت ویژه مرزی است، کردها از لحاظ مذهبی عموماً سنی مذهب بوده و ویژگی های خاص قومی و مذهبی آنها در کنار سایر ویژگیهای اجتماعی از جمله عدم توسعه یافتگی اقتصادی و عدم وجود زیر ساخت ها و امکانات اقتصادی و صنعتی و نیز فرصت های شغلی در مقایسه با سایر مناطق کشور باعث شده است که این منطقه خاص از ایران از لحاظ اجتماعی یک جامعه نسبتاً بسته باقی مانده و به نوعی خصوصیات یک جامعه مهاجر پذیر یا مهاجر فرصت را نداشته باشد. مجموعه این عوامل باعث شده است که به رغم بروز و ظهور تغییرات عمده اجتماعی در ایران، تاثیرات این عوامل در جامعه کردنشین با جامعه کلی ایران تفاوت هایی داشته باشد از جمله اینکه نظام قشر بندی در جامعه کردستان در طول دهه های اخیر خصوصیات منحصر به فرد خود را تا حدود زیادی حفظ کرده است. لذا تحقیق حاضر به مطالعه تحلیلی و تاریخی ساختار نظام طبقات در منطقه مکریان کردستان و نظام ارزشی آنها با تاکید بر مهاباد پرداخته است.

متفکران اجتماعی هر یک از دیدگاه خود به موضوع قشربندی و نابرابری اجتماعی در جوامع انسانی پرداخته اند و در یک تقسیم بندی کلی همه نظریات در این زمینه را می توان در سه دسته جای داد: کارکردگرایان ساختاری که نابرابری و قشربندی در جامعه را ضروری، گریز ناپذیر و دارای کار کرد می دانند و برآنند که جوامع نه به چند طبقه بزرگ بلکه به قشرهای کوچک حرفه ای گوناگون تقسیم می شوند. این قشرها به واسطه تقسیم کار به هم وابسته اند ولی بر پایه معیارهای مختلفی همچون منزلت، پایگاه اجتماعی و درآمد از هم منفک می شوند (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۸). از مهم ترین نظریه پردازان این دیدگاه می توان به دیویس و مور اشاره

کرد. «نابرابری اجتماعی تمهیدی است که ناخودآگاه شکل گرفته و جامعه با آن تضمین می‌کند که مهم‌ترین جایگاهها به طور مستمر به وسیله با صلاحیت‌ترین افراد پر شود.» (Davis & Moor, 1945: 48) تضادگرایان بر عکس کارکردگراها بر تسلط گروهها و افراد بر گروههای دیگر جامعه و استعمار آنها توجه دارند و از آنجایی که منافع گروهها با هم متفاوت است، ستیز بین گروه‌های متخاصم نیز اجتناب‌ناپذیر است. (ربانی و انصاری، ۱۳۸۵: ۳۴) این دسته از نظریه پردازان نام کارل مارکس را بر پیشانی خود دارد و سپس برخی متفکران انقلابی همچون لنین، کائوتسکی، تروتسکی و... و افرادی چون گرامشی، آلتوسر و پولانزاس به تفسیر و بهنگام کردن دیدگاه‌های او پرداختند. دیدگاه سومی هم به نام نظریات تلفیقی مطرح است که به عقیده گرهارد لسنکی نتیجه کاربرد روش علمی نوین در مطالعه مساله کهنه نابرابری‌های اجتماعی است. به نظر ماکس وبر جهت تحلیل طبقه، باید دو بعد مهم دیگر افزوده شود: منزلت و حزب. منزلت به فخر وجهه اجتماعی مربوط می‌شود و حزب به قدرت اجتماعی یا قانونی مربوط می‌شود.

مبانی نظری

واژه «ارزش» در معانی، قدر، مرتبه، استحقاق، لیاقت و شایستگی آمده است. همچنین در فرهنگ پیشرفته آکسفورد به عنوان باورها درباره آنچه که درست و غلط بوده و آنچه که در زندگی مهم است تعریف شده است (Hornby, 2005: 1435) و در اصطلاح، عقیده یا باور نسبتا پایداری است که فرد با تکیه بر آن، یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را، که شخصی یا اجتماعی است، به یک شیوه یا حالت دیگر که نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می‌دهد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۱۱) محققان در حوزه‌های مختلف به مفهوم ارزش توجه کرده‌اند و در علوم اجتماعی نیز معانی و دسته‌بندی‌های مختلفی یافته‌اند.

مفهوم و اندیشه «نظام ارزشی» زاینده این تصور است که بررسی ارزش خاص یا فهم آن به دور از دیگر ارزش‌ها، ممکن نیست. لذا مراد از «نظام ارزشی (نظام ارزش‌ها) مجموعه ارزش‌های مرتبط به هم می‌باشند که رفتار و کارهای فرد را نظم می‌بخشد و غالباً بدون آگاهی فرد شکل می‌گیرد». به بیان دیگر نظام ارزشی عبارت از ترتیب هر می مجموعه‌ای از ارزش‌هایی است که فرد یا افراد جامعه بدان پایبند هستند و بر رفتار فرد یا افراد، بدون آگاهی آنان، حاکم است. (خلیفه، ۱۳۷۸: ۷۵)

ارزش‌ها از نظر اهمیتی که دارند، یکسان نیستند و در مجموعه‌ای جای دارند که به آن «نظام ارزشی»^۱ گفته می‌شود. این نظام به عنوان معیاری برای قضاوت درباره خود و دیگران،

انتخاب‌های فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اولویت‌هایی که افراد به ارزش‌ها می‌دهند، یکسان نیست. این اولویت‌ها معمولاً متأثر از خلق و خو، شخصیت، تجربه‌های جامعه‌پذیری، تجربه‌های منحصر به فرد زندگی، فرهنگ پیرامون و مانند آن است. در کل، ارزش‌ها در شمار درونی‌ترین لایه‌های شخصیت افراد بوده و شناخت دقیق هر فرد در گرو شناخت این ارزش‌ها و گرایش‌های ارزشی و هویتی اوست. هریک از ارزش‌ها را می‌توان عقاید پایدار فرد نسبت به شیوه خاص از رفتار یا هدف نهایی زندگی دانست که از نظر فردی یا اجتماعی در مقابل شیوه دیگری از رفتار یا هدف دیگری از هستی قابل ترجیح است. (لطف آبادی، ۱۳۸۵: ۱۸)

نظریه پردازان مختلفی به بررسی ارزش و نظام ارزشی جامعه پرداخته‌اند. شوارتز در نظریه خویش، ارزش‌ها را به دو بخش ارزش‌های جمعی و ارزش‌های فردی تقسیم می‌کند. ارزش‌های جمعی، ابعاد محافظه‌کاری و جهانشمولی (توجه به ماورای خود) و ارزش‌های فردی آمادگی برای تغییر و توجه به خود (پیشبرد اهداف شخصی) را شامل می‌شود. ابعاد ارزشی تشکیل‌دهنده محافظه‌کاری و جهانشمولی که بیانگر ساختار سنتی‌اند، عبارتند از: امنیت، هم‌نواپی، سنت، خیرخواهی و جهان‌گرایی، ابعاد ارزشی تشکیل‌دهنده تقویت خود (خودافزایی) و تمایل به تغییر نیز که بیانگر ارزش‌های مدرن‌اند، شامل قدرت، موفقیت، لذت‌گرایی، برانگیختگی و خودفرمانی (استقلال) هستند. (Schwartz, 1992: 40) «روکیچ»، ارزش‌ها را به دو دسته ارزش‌های غایی و ابزاری تقسیم می‌کند. ارزش‌های غایی به ارزش‌های غایی فردی (مانند رستگاری) و ارزش‌های غایی اجتماعی (مانند مباحث جهانی) و ارزش‌های ابزاری به ارزش‌هایی که بر بعد فردی تأکید دارند (مانند منطقی بودن) و ارزش‌هایی که بر بعد اخلاقی تأکید دارند (مانند امانت‌داری) تقسیم می‌شوند. «آلپورت» شش نظام ارزشی را تعیین می‌کند. به عقیده وی تمام انسان‌های دنیا از این شش نظام استفاده می‌کنند و هیچ انسانی از این شش نظام خارج نیست و غیر از این نظام‌های ارزشی کلی و اساسی، نظام ارزش دیگری وجود ندارد. این نظام‌ها عبارتند از: ارزش‌های علم و دانش، ارزش‌های سیاسی، ارزش‌های زیبایی‌شناختی (هنری)، ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های اقتصادی و ارزش‌های مذهبی.

تغییر ارزش‌ها همیشه یک فرایند است و حرکت این فرآیند گاه تند و گاه کند است. یکی از تئوری‌های مهم در زمینه دگرگونی ارزش‌ها، تئوری دگرگونی ارزشی اینگلههارت می‌باشد. این نظریه پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابجایی بلندمدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد که بر اساس آن اولویت‌های ارزشی در جوامع صنعتی از توجهات مادی گرایانه درباره اقتصاد و امنیت فیزیکی به تأکید بیشتر بر آزادی خود اظهاری و کیفیت زندگی با ارزش‌های فرامادی گرایانه تغییر جهت یافته است. وی فرهنگ را نظامی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی می‌داند که به طرز گسترده در میان مردم مشترک ست

و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ فرهنگ فرا گرفته می‌شود و ممکن است از جامعه‌ای به جامعه دیگر تغییر کند. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۹) به نظر اینگلهارت، ارزش‌های فرامادی بازتاب وجود امنیت در طی شکل‌گیری شخصیت فرد هستند و کامیابی اقتصادی افزایش یافته منجر به کاهش ارزش‌های ماتریالیستی از نسلی به نسل دیگر می‌شود. بر این مبنا اینگلهارت به تاثیر قشریندی اجتماعی توجه می‌کند. از این منظر خانواده‌های ثروتمند به نظر می‌رسد که جوانان ماتریالیست کمتری نسبت به خانواده‌های فقیر پرورش دهند. این امر به روشنی نشانگر رابطه میان توسعه اقتصادی و دگرگونی ارزشی است.

یکی دیگر از متفکران معاصر که به بررسی رابطه بین طبقه اجتماعی افراد و گرایش‌ها و نیز عمل اجتماعی فرد می‌پردازد «پیر بوردیو» است. به نظر وی انسانها همواره به لحاظ ساختاری در فضای اجتماعی چند بعدی جای گرفته‌اند که عمدتاً بر مبنای موقعیت طبقه اجتماعی شان تعریف شده است. طبقه اجتماعی به دسترسی فرد به منابع گوناگون، پیوندهای اجتماعی و فرصت‌های اجتماعی مرتبط با شغل، سن، جنسیت، تحصیلات و جز آن اشاره دارد و نه صرفاً تعریفی کاملاً مارکسیستی از آن. بدین منظور بوردیو از اصطلاح کلیدی «هیبیتاس» استفاده می‌کند. هیبیتاس به طرح‌های تفسیری و عمدتاً ناخودآگاهانه‌ای اشاره دارد که نحوه کار جهان و نحوه ارزیابی امور را به ما نشان می‌دهد و دستور العمل‌هایی برای کنش‌ارایه می‌کند. وی معتقد است که افراد طی اعمالشان توسط این چارچوب‌های کلی تفسیری هدایت می‌شوند. (سیدمن، ۱۳۸۸: ۱۹۸) مرتبط با همین مباحث، بوردیو از مفهوم «ذایقه» صحبت می‌کند. ذایقه یک عملکرد است که به افراد ادراکی از جایگاهشان در نظام اجتماعی می‌دهد (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۲۱). هدف عمده بوردیو در کنار هم قرار دادن طبقه و تحلیل فرهنگی است. وی در کتاب «تمایز»، گزارشی از تفاوت سبک‌های زندگی از طبقات مختلف اجتماعی‌ارایه می‌کند. این اشتغالات فرهنگی به شکلی اجتماعی ساختار پیدا کرده و بازتولید طبقه اجتماعی‌اند. (سیدمن، ۱۳۸۸: ۲۰۱-۱۹۹)

موریس هالبواکس، قضاوت‌های ارزشی و تصورات جمعی را بنیانی برای نابرابری قلمداد می‌کند. به اعتقاد هالبواکس، طبقات اجتماعی بر مبنای «آگاهی طبقاتی» بوجود می‌آیند و طبقات در پرتو حافظه طبقات جمعی خاص خود باقی می‌مانند. از دید وی، تجلی اساسی آگاهی طبقاتی «روانشناسی نیازهای یک طبقه» است. دومین نکته اساسی در زمینه آگاهی یافتن طبقات عبارت است از اینکه طبقه بداند که در چه سطحی از جامعه قرار دارد و این طبقه در جامعه نسبت به چه چیز، چه حقوق و چه امتیازاتی اندازه‌گیری می‌شود. نکته مهم در نظریات هالبواکس این است که او طبقات سیاسی، حقوقی و اقتصادی را از طبقات اجتماعی تفکیک نموده و می‌گوید که در بین آنها، فقط طبقات اجتماعی دارای سلسله مراتب هستند و بنیان

سلسله مراتب طبقات اجتماعی نیز بر «تصورات جمعی» و «قضایات های ارزشی» قرار دارد. در ضمن هر چه بهره مندی اعضا یک طبقه از «حیات اجتماعی» بیشتر باشد طبقه دارای سطح اجتماعی برتر خواهد بود. هالبواکس اصل حقیقی جدایی طبقات را بر مبنای حرفه یا ثروت و نوع اشتغال و درآمد نمی داند و تأکید اساسی او بر شیوه ارضاء کامل نیاز های گوناگون افراد و سلسله مراتب نیازها در داخل هر یک از طبقات است و عامل تعیین کننده طبقات را در همین زمینه جستجو می کند. بررسی توزیع مخارج و نوع عادات مصرفی از جمله معیارهای عمده مطالعات در نظریات هالبواکس می باشد البته علاوه بر سطح نیازها از عوامل دیگری مانند «آگاهی طبقاتی»، «عقیده جمعی مبتنی بر سلسله مراتب گروه ها»، «درجه مشارکت در آرمان مشترک» نیز جز معیارهای طبقه بندی اجتماعی هالبواکس قرار دارند. اساسی ترین عامل تعیین کننده ی طبقه ها، نیازهای آنهاست، سطح نیاز طبقه ها نیز یکسان نیست. گرایش های مصرفی، میزان نیاز های مادی را نشان می دهد. نیاز های غیر مادی در نیازهای مادی منعکس است. فرهنگ هر طبقه ناشی از همین گرایش هاست. نیازها پدیده های اجتماعی و جدا از تمایلات فردی هستند. هر چه تمایلات جسمانی بیشتر باشد، تمایلات روحی نیز افزایش می یابد. از دیگر نکات اساسی هالبواکس فعالیت یک طبقه بر روی ماده است. ماده، دو معنی دارد: اول ماده خام طبیعی که طبقه های پایین روی آن کار می کنند. معنی دوم ماده عبارت از انسان هایی است که طبقه های بالا آنها را هدایت یا فرماندهی کرده و بر آنها تأثیر می گذارند. طبقه های پایین مدت زیادی با ماده خام کار می کنند و در نتیجه، زوایای پیچیده ی زندگی اجتماعی را در نمی یابند. گفتنی است که طبقه های بالا چنین نیستند. طبقه متوسط (مانند پیشه وران، کارکنان دفتری، کارمندان، تکنیسین ها و استادکاران) هم با ماده ی خام سروکار دارند و هم با روابط انسانی (هالبواکس، ۱۳۶۹: ۲۰۵-۲۰۲).

پیشینه تجربی

فاطمه جواهری در مقاله «بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان بر گرایش و رفتار آنان»، نتیجه می گیرد که عضویت در پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا، متوسط یا پایین در اغلب موارد تاثیر معناداری در تفاوت گرایشها و عملکرد کنشگران اجتماعی دارد و نظام قشربندی جامعه ممکن است زمینه ساز شکل گیری خرده فرهنگ ها و هویت های اجتماعی متفاوت باشد. (جواهری، ۱۳۸۶: ۱۱۶-۸۳)

وحید قاسمی و همکارانش در مقاله «شناخت تاثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان» نشان می دهند که یکی از عوامل بوجود آورنده یا تشدید کننده تضاد بین نظام سنتی جامعه و ارزش های نوگرایانه، تضاد موجود در نحوه نگرش، بینش و نظام ارزشی افراد متعلق به طبقات مختلف اجتماعی می باشد. (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۸-۴۳)

امیر ملکی در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده با گرایش‌های ارزشی نوجوانان»، رابطه بین پایگاه اجتماعی اقتصادی خانواده با گرایش‌های ارزشی نوجوانان را به روش پیمایش و با سنجش گرایش‌های ارزشی آلپورت و اینگلهارت مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق حاکی از این است که: پایگاه اجتماعی اقتصادی خانواده با ارزش‌های زیباشناختی و اقتصادی رابطه مستقیم و با ارزش‌های مذهبی رابطه معکوس دارد. ارزش‌های سیاسی نوجوانان برخاسته از پایگاه‌های اجتماعی اقتصادی متفاوت، مشابه است. در مورد ارزش‌های علمی: بین نوجوانان برخاسته از پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط و پایین تفاوت معنی دار وجود ندارد، اما در مقایسه پایگاه اقتصادی بالا با متوسط و پایین با بالا، تفاوت معنی دار وجود دارد. در مورد ارزش‌های اجتماعی: بین نوجوانان برخاسته از پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا و متوسط تفاوت معنی دار وجود ندارد، اما در مقایسه نوجوانان برخاسته از پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط با پایین و بالا تفاوت معنی دار وجود دارد. اولویت‌های ارزشی همه نوجوانان بیشتر مادی می‌باشد و تفاوت معنی داری از این جهت بین نوجوانان طبقات مختلف وجود ندارد. (ملکی، ۱۳۷۵)

لهسایی زده و همکارانش در کار تحقیقی «بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر پایبندی به ارزش‌های دینی»، دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز را مطالعه نموده و به رابطه معنادار برخی عوامل مانند شغل پدر، تحصیلات والدین، درآمد پدر، وسایل رفاهی و ... با نظام ارزشی دینی پی برده و پایبندی دانش‌آموزان به ارزش‌های دینی را متوسط رو به بالا گزارش کرده‌اند. (لهسایی زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۶-۳۳)

وحید قاسمی و رضا صمیم در کار پژوهشی خود با عنوان «مطالعه ای پیرامون رابطه قشربندی اجتماعی و مصرف فرهنگی (مصرف موسیقایی) در شهر تهران»، به این نتیجه رسیده‌اند که میان طبقه و پایگاه و میزان مصرف موسیقایی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد و هر چه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد، گرایش‌شان به مصرف انواع موسیقی متعلق به فرهنگ نخبه بیشتر و گرایش به مصرف انواع موسیقی متعلق به فرهنگ توده کم‌ترست. (قاسمی و صمیم، ۱۳۸۷: ۱۰۱-۸۰)

مرضیه دهقانی و همکارانش در مقاله خود با عنوان «نقش عوامل اجتماعی - فرهنگی و فردی دانش‌آموزان بر نگرش ارزشی آنها»، نشان داده‌اند که عوامل اجتماعی و فرهنگی مخصوصاً عوامل مبتنی بر دین نقش نسبتاً مهمی در شکل‌گیری نگرش ارزشی دانش‌آموزان دارد و اینکه مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و دینی می‌تواند نگرش مثبت آنها را توسعه دهد. (Dehghani & etall, 2011 : 3079-3083)

ویلیام کیلبورن و همکارانش در تحقیقی با عنوان «بررسی میان‌فرهنگی ارتباط بین

ارزش‌های مادی و فردی»، سه کشور کانادا، آلمان و آمریکا را مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که مقیاس ارزش‌های فردی و مادی گرایی و همچنین مدل کلی پیشنهاد شده برای هر سه کشور ثابت و یکسان است. (Kilbourne & etall, 2005: 624-641).

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، نوعی روش تحقیق ترکیبی و مشتمل بر هر دو رهیافت کیفی و کمی است. برای بررسی ساختار طبقاتی جامعه از روش تاریخی - تطبیقی استفاده شده است. در قسمت کمی تحقیق نیز با استفاده از پیمایش، نظام ارزش‌های اجتماعی طبقات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه افراد ساکن در منطقه مکرریان (شامل شهرستان‌های جنوب دریاچه ارومیه اعم مهاباد، بوکان، نقده، اشنویه، پیرانشهر، میاندوآب، سردشت، تکاب، شاهین دژ و بخشی از شهرستان سقز) می‌باشد. در بخش اول تحقیق، با توجه به روش تاریخی و اسنادی، کل جامعه مورد مطالعه به عنوان نمونه انتخاب می‌شود. در بخش دوم و کمی تحقیق، شهر مهاباد - به دلیل مرکزیت جغرافیایی و فرهنگی و اینکه مهاباد را می‌توان یک مکرریان کوچک نامید - به عنوان خوشه انتخابی، مطالعه شده است. با توجه به اینکه واحد تحلیل، قشر اجتماعی و واحد مشاهده افراد می‌باشند، لذا در مرحله بعد، از افراد بالای ۲۰ سال ساکن در شهرستان مهاباد، حجم نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران با دقت برآورد $d=0/05$ و حداکثر واریانس $pq=0/25$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸۴ نفر تعیین شده است که در مرحله عمل و پس از گردآوری پرسشنامه‌ها به دلیل زایل شدن تعدادی از پرسشنامه‌ها، تعداد ۳۵۶ پرسشنامه سالم گردآوری شد. شیوه نمونه‌گیری در این مرحله نیز طبقه‌ای می‌باشد. در بخش کیفی تحقیق که مربوط به مرور تاریخی قشرهای مختلف اجتماعی مکرریان است، جهت گردآوری اطلاعات از اسناد و منابع مرتبط استفاده شده است. در قسمت کمی تحقیق نیز جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه ۵۹ سؤالی استاندارد ابعاد ارزش‌های اجتماعی شوارتز استفاده شده است که میزان پایایی سازه‌های متعدد پژوهش بر اساس ضریب آلفای کرونباخ در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول شماره (۱): ضریب آلفای کرونباخ ابعاد مختلف ارزش‌های اجتماعی شوارتز

میزان آلفای کرونباخ	تعداد گویه	ابعاد ارزشی
۰/۷۰۹	۶	استقلال
۰/۷۶۹	۳	برانگیختگی
۰/۷۹۳	۳	لذت‌گرایی
۰/۷۸۴	۳	موفقیت
۰/۸۲۶	۶	قدرت‌گرایی
۰/۷۲۴	۳	وجهه
۰/۷۵۵	۶	امنیت‌گرایی
۰/۷۳۶	۶	همنوایی
۰/۸۱۵	۴	سنت‌گرایی
۰/۷۱۳	۶	خیرخواهی
۰/۷۵۴	۹	جهان‌گرایی

تعریف و سنجش متغیرها

بر اساس تئوری شوارتز، ارزش‌ها همچون اهداف فراموقعیتی با درجات متفاوتی از اهمیت تعریف شده‌اند که به عنوان اصولی راهنما در خدمت فرد یا دیگر واقعیت‌های اجتماعی است. شوارتز برخلاف نظریه‌های قبلی که ارزش‌ها را به صورت سلسله‌مراتبی در نظر می‌گرفتند و روابط میان ارزش‌ها را نادیده می‌گرفتند، از ساختار و روابط میان اولویت‌های ارزشی و نیز از روابط تضادی و توافقی میان اولویت‌ها سخن گفته و صرفاً به دسته‌بندی ارزشی نپرداخته است. وی معتقد است تعقیب همزمان آن دسته از گونه‌های ارزشی که در دو بعد اساسی متقابل قرار گرفته‌اند، باعث ظهور تضادهای اجتماعی و روان‌شناختی می‌شود. دو بعد «محافظه‌کاری» و «توجه به ماورای خود» ساختار ارزشی سنتی و در مقابل دو بعد «تمایل به تغییرات» و «پیشبرد اهداف شخصی»، ساختار ارزشی مدرن را تشکیل می‌دهند.

ابزار اندازه‌گیری در این بررسی، پرسشنامه کتبی سنجش ابعاد ارزش‌های فرهنگی شوارتز (۵۷ گویه) است.

جدول شماره (۲): گویه‌های سنجش شده مربوط به ابعاد مختلف ارزش‌های اجتماعی شوارتز

ابعاد ارزشی	گویه‌ها
استقلال	فکر خلاق، ایده‌آبکار، آگاهی، استقلال در تصمیم و عمل، آزادی انتخاب
برانگیختگی	خطرپذیری، انجام کارهای متفاوت و تجربیات جدید
لذت‌گرایی	گذران اوقات خوش و استفاده از هر فرصتی برای لذایذ زندگی
موفقیت	جاه‌طلبی، توفیق روزافزون و تحسین اطرافیان
قدرت‌گرایی	قدرت اجتماعی، مالکیت پول، ثروت، اشیای گران‌قیمت، اقتدار، امر و نهی دیگران
وجهه	نیکنامی، عدم تحقیر و شرمندگی
امنیت‌گرایی	سلامت، امنیت شخصی، پرهیز از مخاطرات، ثبات و نظم اجتماعی، امنیت ملی، دفاع دولت از شهروندان
همنوایی	رعایت قوانین و مقررات، اطاعت، احترام، خوشحال کردن و نرنجاندن دیگران
سنت‌گرایی	حفظ ارزش‌ها و باورها، پیروی از سنن سنتی و مذهبی، احترام به رسوم
خبرخواهی	مورد اعتماد بودن، تکیه‌گاه بودن، مراقبت از نزدیکان، کمک به دوستان، مسوول بودن، یاری‌دهنده
جهان‌گرایی	وحدت با طبیعت، محافظت از محیط زیست، برخورد محترمانه، پذیرش مخالفین، مدارا

یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش در دو قسمت ارائه شده است. در قسمت اول، نتایج تحلیل تاریخی مربوط به قشرهای مختلف اجتماعی مکریان آورده شده است و در قسمت دوم، ابعاد مختلف ارزش‌های اجتماعی شوارتز در بین گروه‌ها و قشرهای مختلف اجتماعی، مورد مقایسه کمی قرار گرفته است.

الف) تحلیل تاریخی قشرهای مختلف اجتماعی مکریان

«مکریان»، نام ولایتی تاریخی است که پیش از قانون جدید تقسیمات کشوری، به منطقه‌ای در شمال غربی ایران گفته میشد که بخش اعظم این منطقه جزو استان آذربایجان غربی و قسمت کوچکی نیز در استان کردستان امروزی است. مکریان، میرنشین (امارت) ایل‌های کرد مکری در سده ۹ تا ۱۳ هجری بوده است که در شمال غربی ایران و در جنوب دریاچه ارومیه قرار دارد. مکریان شهرهای جنوب دریاچه ارومیه؛ مهاباد، اشنویه، بوکان، پیرانشهر، سردشت، شاهیندژ، نکاب، میاندوآب، نقده و بخش کوچکی از شهرستان سقز در استان کردستان

را در بر میگیرد. بر اساس نقشه موکریان که از سوی انستیتوی کرد در استکهلم سوئد ارائه شده است، مساحت مکریان ۱۷۹۴۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن بر اساس آمار رسمی ایران ۱۲۴۰۲۱۹ نفر است. (خضری، ۱۳۸۸: ۶-۵) از ویژگیهای خاص و فعلی کردهای مکرری میتوان به نوعی خودبرتر بینی آنها نسبت به سایر کردهای ایرانی (به لحاظ ویژگیهای ملی گرایی افراطی، ادبیات نوشتاری، حتی نوع لهجه گفتاری و سبک پوشش لباس و ...) اشاره کرد و همین امر باعث شده است که ویژگیهای منحصر به فرد جامعه کرد، با شدت و حجم بیشتری در بین کردهای مکرریان خود را نمایان سازد. شهرستان «مهاباد» را هم بدلیل مرکزیت جغرافیایی و هم به علت ویژگیهای فرهنگی خاص خود که به نوعی یک مکرریان کوچک است، می توان نمونه تمام و کمال منطقه مکرریان دانست. این شهر نام ساوجبلاغ مکرری (یا سابلاغ مکرری) را تا سال ۱۳۱۵ شمسی با خود داشت تا اینکه در این سال، در جلسه فرهنگستان نام این شهر همچون بسیاری از جاهایی که نام عربی یا مغولی داشتند، به پیشنهاد مرحوم رشید یاسمی که استاد دانشگاه و عضو فرهنگستان بود به «مهاباد» تغییر پیدا کرد. (صمدی، ۱۳۷۳: ۹۳) از لحاظ وسعت شهرستان مهاباد با ۲۵۹۲ کیلومتر مربع، چهارمین شهر بزرگ استان آذربایجان غربی است. بر اساس آخرین سرشماری انجام شده در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان مهاباد ۲۳۶۸۴۹ نفر بوده است. مهاباد شهری کردنشین است که ساکنان آن مسلمان و شافعی مذهب می باشند. فاصله آن تا مرکز استان ۱۲۰ کیلومتر و تا تهران ۸۳۵ کیلومتر است. مهاباد در جنوب استان و در عرض جغرافیایی ۴۶° و ۳۶° شمالی و طول جغرافیایی ۴۳° و ۴۵° شرقی قرار دارد. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۳۸۵ متر می باشد.

در بحث طبقه بندی اجتماعی اکنون شهرستان مهاباد، می توان به چهار طبقه و منزلت مختلف اجتماعی که کاملاً ملموس و قابل مشاهده هستند اشاره نمود: جامعه اصلی شهری (سابلاغی)، خوانین (آغاوت)، سادات و مردم عادی (کرمانج).

شهری اصیل (سابلاغی)

در شهر مهاباد مانند تمامی شهرهایی که سابقه شهری قابل توجهی دارند، جمعیتی زندگی می کنند که هم خود و هم سایرین، آنان را شهری اصیل یا مهابادی اصیل و اصطلاحاً «سابلاغی» نام برده و این منزلت و جایگاه را برای آنها قایلند. مهابادی های اصیل (سابلاغی ها)، عموماً شامل خانواده یا طایفه هایی است که حداقل چهار یا پنج نسل قبلی آنها در مهاباد ساکن بوده و هیچ گونه ارتباطی اعم از وجود منشا خانوادگی یا فامیلی های مخصوصاً نسبی در جای دیگری (البته غیر از مهاجرت از مهاباد به سایر شهرها و روستاها) به جز مهاباد برای آنها وجود نداشته باشد.

نبود اسناد معتبر تاریخی مربوط به سالهای قبل از قرن حاضر، کوچ برخی از ساکنان اصیل

مهابادی از جمله مسیحیان و یهودیان مهابادی، مخصوصاً بعد از جنگ جهانی اول به خارج از سرزمین ایران و نیز ورود موج اول مهاجرت روستائیان بعد از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ به شهر مهاباد و اختلاط جمعیتی آنها با جمعیت شهری، تشخیص اصالت مهابادی (سابلاغی) را تا حدودی با مشکل مواجه نموده است. ولی با این وجود، شخصی که سالهاست در شهر مهاباد زندگی می‌کند تا حدود بسیار زیادی می‌تواند بر اساس نام خانوادگی، محله سکونت، شیوه رفتار، طرز لباس پوشیدن و حتی لهجه صحبت کردن فرد، اصالت یا عدم اصالت «سابلاغی» بودن وی را تشخیص دهد.

خوانین (آغاوت)

این بافت جمعیتی شهرستان از گذشته، جزو عشایر محسوب شده و از ملاکین و زمین داران در نظام ارباب و رعیتی گذشته بوده اند و هنوز هم به پاره ای از آداب و رسوم عشیره ای خود پایبند هستند. «از دیدگاه وضع اجتماعی، کردها عموماً از عشیرت های جدا جدا تشکیل شده اند، عشیرت از دو گروه ترکیب یافته است، گروه اول جنگجویان، این ها سرکردگان (آقاها و ارباب ها) و همچنین صاحبان زمین و دارندگان خدم و حشم هستند. گروه دوم دهقانان (رعایا) می باشند یعنی آنهایی که مستمندند. اما اینان کسانی هستند که به طور متوسط و تقریباً نیمه برده و وابسته به زمین اند» (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۶۰-۵۹). تا قبل از اصلاحات ارضی، قشر بندی اجتماعی در روستا را می توان به طور کلی در دو طبقه ارباب و رعیت و نیز قشر مستقل خرده مالک مورد بررسی قرار داد (وئوقی، ۱۳۹۱: ۹۷). خوانین و آغاوت های مکریان و شهرستان مهاباد، درصد قابل توجهی از جمعیت ناحیه را تشکیل داده و با وجود گذشت بیش از نیم قرن از نابودی قانونی نظام ارباب و رعیتی، هنوز این طبقه اجتماعی، شأن و منزلت اجتماعی و تا حدودی قدرت نسبی اقتصادی خود را در بین جامعه مکریان و اقشار مختلف اجتماعی آن حفظ کرده است. خوانین (آغاوت) ناحیه مکریان، شامل عشایر مختلفی از جمله، منگور، دهبکری، گورک، مامش، فیض اله بیگی، زرزا و ... است که در شهرستان مهاباد، سه گروه اول، بیش از ۹۵ درصد از جامعه خوانین آن را تشکیل می دهند.

خوانین منگور

در مورد واژه منگور و وجه تسمیه آن نظر قاطعی وجود نداشته و هر آنچه که بسته و گریخته در مورد آن نوشته شده است اغلب مبتنی بر حدس و گمان و بعضی اوقات تعصب های بی دلیل است. ایل منگور از جمله ایلات مکرری است که در منطقه سردشت، مهاباد و پیرانشهر ساکن هستند. آنان در زمان سلطنت کریم خان زند تحت ریاست «باپیر آقا» از عراق به منطقه «ایل تیمور» مهاباد آمده و ساکنان بومی آن را رانده یا تحت تسلط خود در آوردند. اکنون عشیره منگور به شش طایفه تقسیم می شوند که وجه تسمیه هر کدام از این طوایف به یکی از پنج زن

«بایر آقای دوم» و برادر وی «خضر» بر میگردد. اکنون هر عضوی از عشیره منگور خود را منتسب به یکی از این شش طایفه می‌داند که عبارتند از: ۱. طایفه «شم»: شم همسر بایر آقای دوم از تیره «مرنکنه»ها بوده و مادر سه پسر به نامهای بایز، کاک اله و قرنی بوده است. ۲. طایفه «مروت»: مروت هم همسر بایر آقای دوم از تیره «فقه عیسی»ها بوده و دارای سه پسر به نامهای گلاوی، رحمان و عمر بوده است. ۳. طایفه «آمان»: اونیز همسر بایر آقای دوم و از طایفه «جاق»ها بوده و چهار پسر به نامهای عزیز، محمد، قادر و بایز آورده است. ۴. طایفه «زین»: زین هم همسر بایر آقای دوم، از طایفه «گرگه دی»ها و مادر سه پسر به نامهای حسین، خضر و بابکر بوده است. ۵. طایفه «زیرین»: این همسر بایر آقای دوم نیز از طایفه «مامش» بوده و مادر دو پسر به نامهای حمزه و ابراهیم بوده است. ۶. طایفه «خضر»: خضر برادر بایر آقای دوم بوده و بازماندگان وی را طایفه خضر (خدر) گویند (قاجار، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۳).

محدوده جغرافیایی ایل منگور در جنوب و جنوب غربی شهرستان مهاباد می‌باشد. با وجود این، اکثریت آن‌ها اکنون در شهر ساکن هستند بطوریکه بیش از ۹۵ درصد افراد این ایل که ساکن مهاباد هستند در دو محله جداگانه شهر (کوی ۲۲ بهمن و محله بیمارستان) زندگی می‌کنند.

خوانین و عشایر دهبکری

ایل و طوایف دهبکری، نام یکی از معتبرترین ایل‌های ناحیه مکریان است که می‌توان گفت سرزمین پهناوری از ناحیه مکریان و نیز استان آذربایجان غربی کنونی را در شهرستان‌های مهاباد، میاندوآب، نقه و بوکان تحت مالکیت داشتند. ایل دهبکری به سرپرستی «بیرم آقا» در اواخر سلطنت نادر شاه افشار در حدود سال ۱۱۵۷ هجری قمری از دیاربکر که اکنون خاک کشور ترکیه است کوچ نموده و به منطقه مکریان آمده‌اند. این ایل قبل از آمدن به منطقه مهاباد به ایل «قهرمانی» معروف بوده و پس از مدتی از حالت چادرنشینی خارج و روستای «دهبکر» از توابع مهاباد را از مالک وقت آن خریده و از آن به بعد به ایل «دهبکری» اشتهار پیدا می‌کنند. پسران بیرم آقا یعنی رسول آقا، سلیمان آقا و شیخ آقا به مهاباد کنونی (ساوجبلاغ مکر) رفته و ضمن انجام کارهای عاک المنفعه، شروع به خریدن روستاها و املاک ضلع شمالی و شمال شرقی شهرستان مهاباد می‌کنند (صمدی، ۱۳۸۰: ۶۱-۵۹). یکی از معروفترین روسای ایل دهبکری علی آقای علی یار ملقب به «امیراسعد» بود که در سال ۱۳۳۱ هجری قمری به ریاست ایل برگزیده شد و در زمان وی ایل دهبکری به شدت قدرت یافت. ایل دهبکری در حال حاضر پنج طایفه هستند که هر طایفه هم چندین نام خانوادگی مختلف دارد: ۱. طایفه معروف آقا عبارتند از: علی یار، معروفی، ایلخانی زاده، مهتدی، گلابی، پیروتی و چند تیره دیگر همچون حسامی، رسولی، دموکری و حمیدی. ۲. طایفه محمد آقا عبارتند از: محمدی، کریمی، فتاحی،

عزیزی، مظفری، صدیقی، دهبکری، مجرد ۳. طایفه عباس آقا عبارتند از: عباسی، قادری، شهبابی و فرید ۴. طایفه سلیمان آقا عبارتند از: قهرمانی، سلیمانی، بایزیدی، احمدی، محمدی، دانشمند و بوبکر ۵. طایفه شیخ آقا عبارتند از: شیخ آقایی، حقیقی.

خوانین و عشایر «گورک»

«گورک» از کلمه کردی «گه وره» به معنی بزرگ تعبیر می‌شود که جمع آن «گه وره کان» یعنی بزرگان بوده که با گذشت زمان به واژه «گورک» تغییر یافته است. بر اساس روایات شفاهی و بنا به روایت بزرگان ایل و نوشته‌های مرحوم «خضر مامندی»، جد بزرگ گورک‌ها در حدود سیصد سال پیش شخصی به نام «رسول بلباس» می‌باشد. این شخص در اثر اختلاف و دشمنی با حکمرانان محلی در کردستان فعلی عراق، ترک دیار کرده و در روستای «شیوه کل» استان سلیمانیه عراق کشته می‌شود. یکی از نوادگان وی بنام «بایزید» همراه شش فرزند خود از طریق مرز سردشت وارد خاک ایران شده و بعد از مدتی زمین‌های مرتع اطراف شهر سردشت را آباد نموده و تبدیل به زمین کشاورزی می‌نمایند (مامندی، ۱۳۹۵: ۹۳-۵۷). ناحیه گورک مکرریان در حال حاضر شامل نواحی مهاباد (۲۵ روستا)، بوکان (۲۹ روستا)، سقز (۲۷ روستا) و سردشت (۹۷ روستا) می‌باشد. ناحیه گورک مهاباد در اطراف جاده سردشت - مهاباد و با مرکزیت روستای «سویناس» می‌باشد. عشایر گورک مکرریان در سه منطقه سکونت دارند: ۱- گورک مهاباد که شامل پنج طایفه عزیزی، حسنی، محمدی، ابراهیمی و قادری هستند ۲- دهستان «میرده» سقز که به طایفه جوانمردی مشهورند ۳- قسمت سوم در «پاراستان» سردشت و اطراف آن سکونت دارند. تقریباً بیش از نود درصد افراد عشیره «گورک»، امروزه در شهرهای مهاباد، بوکان، سقز و سردشت سکونت دارند. (صمدی، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۴)

سادات

واژه «سید» در لغت به معنای سرور، مهتر، بزرگ و آقا و آنان که منتسب به اولاد پیامبر اکرم (بواسطه حضرت فاطمه) باشند، است. در میان مسلمانان، سادات از حرمت و احترام ویژه‌ای برخوردارند. هم‌اکنون اینگونه معمول است که کسانی که سید نامیده می‌شوند نسب‌شان به پیامبر اسلام می‌رسد و در این مورد اکثر سادات شجره‌نامه دارند. علاوه بر شجره‌نامه، اشتهاار به سیادت در یک محل (اینکه بگویند پدر وجد این شخص سید بوده‌اند) نیز می‌تواند دلیلی بر سید بودن شخص در کردستان باشد.

قسمت عمده‌ای از مرز غربی سرزمین ایران با عراق را مناطق کردنشین تشکیل می‌دهد و فرایند مهاجرت و ورود بخشی از اهل بیت پیامبر به سرزمین ایران از کردستان شروع شده است. برخی از عوامل تاریخی و اجتماعی و مهمتر از همه آنها، ارادات و احترام مسلمانان نسبت به اهل بیت پیامبر (ص) باعث شده است که منزلت قشر سادات در بین سایر افراد جامعه

کردستان همواره وجود داشته باشد و همین امر باعث شده است که قشر سادات برای خود پایگاه و منزلت اجتماعی ویژه ای قایل شوند و حتی در منطقه مکریان، سادات، افراد غیر خود را با اصطلاحات خاصی مانند «امی» خطاب کنند. در منطقه مکریان و شهرستان مهاباد، خانواده های «سادات» فراوانی وجود دارند که در یک طبقه بندی کلی می توان آنها را به «سادات کرده»، «سادات برزنجی»، «سادات کلیجی» و «سادات ماوه لو» تقسیم نمود.

سادات «کرده»

این گروه از سادات به لحاظ فراوانی جمعیت، بیشترین درصد جمعیت سادات شهرستان مهاباد را تشکیل می دهند. منشا سادات «کرده» در مهاباد به خاندان مکرم سادات «پیر خضر شاهی حسینی» یکی از سلسله های بزرگ و نامدار سادات در کردستان ایران بر میگردد که سده هاست در بخش های مختلف کردستان پراکنده اند .

بر اساس شجره نامه معتبر سادات پیر خضر شاهی، سادات پارسانیان (پارسانیان روستایی از توابع شهرستان سقز است) از نوادگان سید قاضی خان پارسانیان و آنها هم از نوادگان سید شکراله پارسانیان مشهور به (که ول زرد= به معنی پوستین زرد رنگ) می باشند . بر اساس منابع و شواهد تاریخی و نیز اقرار و گواهی بزرگان سادات کرده مهاباد، منشا اصلی آنها روستای پارسانیان سقز می باشد که حدوداً نزدیک به کمی بیش از یک قرن پیش، بخشی از آنها به روستاهای اطراف مهاباد (مانند روستاهای خاتون استی، دوسید، گلپار، عین ملا و...) کوچ کرده و با افزایش جمعیت آن ها و نیز مهاجرت بیشتر آنها به شهر مهاباد، اکنون درصد قابل توجهی از جمعیت شهرستان مهاباد، مخصوصاً جمعیت شهری را تشکیل می دهند(برخی از مهم ترین نام های خانوادگی متعلق به این گروه از سادات عبارتند از : منصور، حسینی، ازدست، اردست، آکفوده، محمدی، عنایتی، قریشی، سیدی و...).



شکل (۱) تصویری از چند برگ مربوط به شجره نامه «سادات کرده»

در مورد وجه تسمیه سادات کرده و پسوند «کرده» باید گفت که هنگام کوچ این گروه از سادات به مهاباد و حومه آن، با توجه به لهجه کردی متفاوتی که داشتند و نزدیک به لهجه استان کردستان بوده است، به «سید کرده» یا «سادات کرده» معروف گشته اند.

سادات «برزنجی»: خاندان محبوب و معزز سادات بزرنجی یکی از خاندان‌های برجسته و مشهور کردستان است که از قدیم الایام در میان کردهای ایران و عراق از اعتبار و منزلت فراوانی برخوردارند. بر اساس متون تاریخی و شجره نامه معتبر و موثق، رشته نسبی این خاندان به امامزاده اسماعیل محدث فرزند گرامی امام موسی بن جعفر (ع) ختم می‌گردد. امامزاده اسماعیل در سال ۱۶۲ هجری قمری در بغداد ولادت یافته است. جمعی از مورخین معتقدند که این امام زاده در راه بازگشت از خراسان به بغداد، در روستای «آسپریز» از توابع بخش شرقی منطقه اورامان واقع در کردستان ایران وفات یافته و همانجا مدفون گردیده است. هم‌اکنون نیز مرقد ایشان در همان روستا، مطاف عموم اهالی این نواحی است (مدرس، ۱۹۹۵: ۲۵۷). نسب سادات بزرنجی از طریق سید عیسی نوربخشی بن بابا علی همدانی بن سید عبدالله بن سید اسماعیل به امام موسی کاظم می‌رسد. بر اساس روایت موجود در شجره نامه سادات بزرنجی، سید عیسی و برادرش سید موسی نوربخشی پس از فوت پدر جهت انجام فرضیه حج راهی حجاز شده و در راه برگشت و عبور از کردستان به روستای «برزنج» واقع در استان سلیمانیه عراق کنونی می‌رسند و در همانجا ماندگار می‌شوند. طبق شجره نامه موثق، شیخ موسی اولادی نداشته و شیخ عیسی جد سادات بزرنجی امروز کردستان می‌باشد. سادات بزرنجی مهاباد و مکریان عموماً پسوند «برزنجی» یا «برزنج» را در نام خانوادگی خود دارند.

از دیگر انواع سادات مشهور شهرستان مهاباد می‌توان به سادات «کلیچی» و «ماوه لو» اشاره کرد که هر دو از سادات حسینی بوده و طبق گفته برخی از آنها، سلسله نسبت شان به امام سجاد زین العابدین می‌رسد. وجه تسمیه آنها نیز با اسم روستای «کلیجه» از توابع مهاباد و «ماوه لو»، از توابع سردشت مرتبط است.

از خصوصیات بارز و مشهور فرهنگی سادات در کردستان و من جمله در مهاباد می‌توان به پوشش منحصر به فرد زنان و مردان این گروه، از جمله بستن شال و کمربندی سبز رنگ همراه با لباس کردی اشاره نمود. سادات معمولاً ازدواج‌های درون گروهی داشته و ازدواج برون گروهی تا حدود زیادی (مخصوصاً در بین بزرگان و ریش سفیدان آنها) امری قبیح شمرده می‌شود.

مردم عادی (کرمانج): قشر وسیعی از جمعیت کردستان مکریان کسانی هستند که از لحاظ نسبی و سببی خود را به هیچ یک از طبقات خوانین (آغاوات)، سادات و طبقه شهری اصیل (سابلاغی)، منتسب نمی‌دانند و در یک کلام، فارغ از قید طایفه و عشیره هستند. با توجه به وسعت جمعیتی و مکانی، افراد این طبقه هم در روستاها و هم در شهرهای

مکریان زندگی می‌کنند. یکی از نکاتی که در توصیف این قشر خاص اجتماعی بسیار مهم است این است که خاستگاه اصلی این قشر از جامعه (صرفنظر از اینکه اکنون ساکن شهر یا روستا هستند)، روستاهای مکریان است. قبل از اصلاحات ارضی، جامعه روستایی ایران به طور کلی شامل دو طبقه ارباب و رعیت (اعم از صاحب نسق و خوش نشین) بود. درصد بسیار کمی از رعایا، قبل از اصلاحات ارضی و بخش عمده‌ای از آنها در طول سالهای اولیه بعد از اصلاحات ارضی (موج اول مهاجرت روستاییان به شهرها) و مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ (موج دوم مهاجرت)، به شهرها مهاجرت نموده و اکثر آنها در حواشی شهرها ساکن شدند؛ بخش قابل توجهی از آنها نیز همچنان در روستاهای اولیه خود ماندگار هستند. این طبقه خاص از جامعه مکریان را عامه مردم یا «کرمانج» می‌گویند.

درباره وجه تسمیه واژه «کرمانج» باید گفت که این واژه در اصل مربوط به یکی از لهجه‌های اصلی زبان کردی است که کردهای ترکیه، سوریه و بخشی از کردهای عراق و ایران (کردهای ارومیه و شمال استان آذربایجان غربی) بدان صحبت می‌کنند. ولی در مکریان و مخصوصاً شهرستان مهاباد به عنوان واژه‌ای منفی برای افراد روستایی، غیرسادات، غیرسابلاغی و غیر خوانین بکار می‌رود که بیانگر وجه منفی و نشاندهنده منزلت پایین اجتماعی است. احمد بحری، محقق و نویسنده در زمینه آداب، رسوم و فولکلور کردی، این واژه را مطالعه و ریشه‌یابی کرده و ادعا می‌کند که؛ زمانی که ایل دهبکری از ترکیه امروزی وارد نواحی مکریان شده و یکجانشین شدند، به همراه آنها، برخی از خانواده‌های فقیر و بینوا نیز وارد مکریان شدند که بعد از یکجانشینی ایل، مشغول به خدمتگذاری دهبکری‌ها شدند. مجموعه ایل دهبکری این خدمتکاران خود را «کرمانج» می‌گفتند. بعدها استعمال این واژه گسترش پیدا کرد و در تمامی نواحی مهاباد و نیز مکریان، این واژه معادل دهاتی، خدمتکار، غیرشهری، غیر خان و حتی غیر سید، استفاده می‌شود (بحری، ۱۳۹۳: ۲۵).

قشر کرمانج روستایی در مکریان، غالباً مشغول کشاورزی بوده و شامل کشاورزان بدون زمین مزروعی (مانند کارگران روستایی، دامداران خرده پا و ...)، کشاورزان ضعیف، متوسط و مرفه می‌باشد که نشانگر نوعی درجه بندی و سلسله مراتب درون قشری می‌باشد. جمعیت کرمانج شهری نیز شامل آن دسته از مهاجرین روستایی است که عموماً بعد از اصلاحات ارضی و در طول نیم قرن اخیر به شهرها (مخصوصاً حاشیه شهر) مهاجرت نموده و شامل برخی طبقات شغلی مانند بازاریان (اعم از پارچه فروشان، مغازه داران، بنگاه داران و ...)، کارگران، استادکاران و تعمیرکاران، برخی از کارمندان و ... می‌باشند.

جمع بندی و نتیجه گیری تحلیل تاریخی تحقیق

جامعه مکریان کردستان ایران، چنانچه اشاره شد، شامل چند طبقه مختلف اجتماعی است که عبارتند از: خوانین، سادات، جمعیت اصیل شهری (سابلاغی ها) و نیز عامه مردم (کرمانج ها). بر اساس مطالعات و نتایج تحقیق حاضر مشاهده میشود که در هر کدام از این طبقات و منزلت های مختلف اجتماعی مربوط به جامعه مکریان، اصل و نسب که عبارت از نام خانوادگی، زمینه خانوادگی، قومی، نژادی و نیز طول مدت اقامت در یک محل خاص است، معیار اصلی گروه بندی و طبقه بندی اجتماعی می باشد. این معیار مخصوصا در طبقه سادات و خوانین به عنوان عامل اصلی تمایز و طبقه بندی محسوب می گردد و همین امر باعث شده است که طبقات مختلف اجتماعی در مکریان تمایل شدیدی به ازدواج درون گروهی و درون طبقه ای از خود نشان دهند.

ثروت به عنوان یک عامل مهم قشربندی اجتماعی در جامعه مکریان نیز می تواند مشخصه یک طبقه اجتماعی باشد (به نحوی که اکثر خوانین و جمعیت اصیل شهری به عنوان افراد دارای تمکن مالی و پولدار شناخته می شوند)، ولی معیار ورود به این طبقات شناخته نمی شود؛ کما اینکه نمونه های زیادی از افراد پولدار در قشر سادات یا عامه مردم (کرمانج) وجود دارند ولی به ندرت شخصی از طبقه خوانین یا سابلاغی ها حاضر به ازدواج با آنهاست. هرچند در صورت ازدواج فردی با فردی از طبقات بالاتر، امکان تحرک صعودی برای خود وی (و نه فرزندان) وجود ندارد.

امکان تحرک اجتماعی، تقریبا در بین هیچ کدام از طبقات چهارگانه موجود وجود ندارد. چرا که اصولا تغییر اصل و نسب غیرممکن بوده و نیازمند مدت زمان طولانی و تغییر در چندین نسل می باشد. با این وجود، تغییرات و تحرک درون طبقه ای و امکان ارتقا و تنزل در درون هر کدام از این طبقات، ممکن بوده و نیازمند کسب معیارهای مختلفی از جمله پول، تحصیلات، شغل، قدرت سیاسی و ... است.

با مقایسه نظام قشربندی اجتماعی جامعه مورد مطالعه در تحقیق حاضر (کردستان مکریان) با نظام های قشربندی در جهان، مشاهده میشود که تقریبا همه خصوصیات قشربندی جوامع کمتر توسعه یافته در آن یافت می شود. نظام قشربندی اجتماعی در مکریان، نظامی تقریبا بسته است که مرزهای طبقاتی کاملا مشهود و آشکار است به نحوی که شکاف بین «خوانین»، «کرمانج ها»، «سادات» و «سابلاغی ها» در جامعه همچنان پابرجاست. پایگاه اکتسابی چندین جایگاه درستی نداشته و در تعیین جایگاه اجتماعی افراد برتری با پایگاه انتسابی است؛ به عبارتی عوامل قومی و خانوادگی و نیز نژاد و محل سکونت بر شایسته سالاری ارجحیت دارد و این مهمترین عامل در تبیین عدم وجود تحرک اجتماعی در جامعه مکریان است.

ب) تحلیل کمی (ابعاد ارزش های اجتماعی)

این بخش از تحقیق از دو قسمت تشکیل شده است در قسمت اول، ویژگی های جمعیت شناختی افراد به تفکیک گروهها و طبقات چهارگانه مطالعه شده در بخش تحلیل تاریخی (شهری اصیل، خوانین، سادات، مردم عادی) آورده شده است و در قسمت دوم به مقایسه شاخص های مختلف ارزش های اجتماعی شوارتز در بین گروههای چهارگانه پرداخته شده است.

متغیرهای جمعیت شناختی

نتایج مربوط به توصیف متغیرهای جمعیت شناختی نشان می دهند که میانگین سنی گروههای مورد مطالعه تقریباً نزدیک به هم بوده و در بین آنها میانگین سنی گروه خوانین نسبتاً بیشتر از سه گروه دیگر است. همچنین در همه گروه ها، ترکیب جنسیتی به گونه ای است که تعداد مردان مورد مطالعه بیشتر از زنان است و این اختلاف، به دلیل دسترسی راحت تر به نمونه های مرد، مخصوصاً در بین گروههای سادات و خوانین می باشد. مشاهده می شود که نزدیک به ۹۰ درصد از پاسخگویان، متاهل هستند که با توجه به خصوصیات سنی پاسخگویان (افراد بالای ۲۰ سال)، طبیعی می باشد.

جدول شماره (۲): ویژگی های جمعیت شناختی به تفکیک گروههای چهارگانه

گروه ها و طبقات اجتماعی					
مردم عادی (کرمانج)	خوانین (آغوت)	شهری اصیل (سابلاغی)	سادات		
۹۴	۹۲	۸۱	۸۹	تعداد	
۳۴/۸۷	۳۷/۲۶	۳۳/۶۰	۳۳/۹۸	میانگین	سن
۷/۵۵۵	۸/۱۰۲	۷/۹۵۷	۸/۶۳۰	انحراف استاندارد	
۴۹	۵۲	۴۱	۵۰	مرد	جنسیت
۴۵	۴۰	۴۰	۳۹	زن	
۸۸	۸۵	۷۲	۷۰	متاهل	وضعیت تاهل
۶	۷	۹	۱۹	مجرد	
۱۰	۱۱	۱۲	۱۵	دبیرستان	میزان تحصیلات
۲۱	۳۶	۲۳	۳۷	دیپلم	
۱۸	۲۲	۱۹	۱۰	فوق دیپلم	
۴۱	۱۹	۲۲	۲۴	لیسانس	
۴	۴	۵	۳	فوق لیسانس و بالاتر	

نتایج استنباطی تحقیق

با مروری بر جدول نتایج استنباطی تحقیق (جدول شماره ۳)، مشاهده می‌شود که در بین چهار گروه مورد مطالعه (سادات/مردم عادی/خوانین/شهری اصیل)، غیر از شاخص «استقلال»، سایر شاخص‌ها و ابعاد اختلاف معنی‌دار آماری هستند. نتایج مقایسه زوجی گروه‌ها نشان می‌دهد که دو گروه (خوانین/شهری اصیل)، غیر از متغیرهای استقلال، برانگیختگی، همنوایی و خیرخواهی، در سایر ابعاد دارای اختلاف معنی‌دار هستند و اختلاف گروه‌های (خوانین/سادات) در مورد شاخص‌های لذت‌گرایی، موفقیت، قدرت‌گرایی و جهان‌گرایی است. همچنین گروه زوجی (خوانین/مردم عادی) در رابطه با متغیرهای برانگیختگی، لذت‌گرایی، موفقیت، قدرت‌گرایی و جهان‌گرایی دارای اختلاف معنی‌دار هستند. گروه‌های (شهری اصیل/سادات) نیز غیر از متغیرهای استقلال، برانگیختگی، همنوایی، وجهه و خیرخواهی، در سایر زمینه‌ها دارای اختلاف معنی‌دار آماری هستند. همچنین دو گروه (شهری اصیل/مردم عادی)، فقط در رابطه با متغیرهای استقلال، موفقیت، وجهه و امنیت‌گرایی دارای اختلاف معنی‌دار نیستند و گروه زوجی (سادات/مردم عادی)، از حیث متغیرهای برانگیختگی، قدرت‌گرایی و امنیت‌گرایی حایز اختلاف معنی‌دار آماری هستند.

جدول شماره (۳): خلاصه نتایج مربوط به آزمون مقایسه میانگین گروه‌های مستقل (تحلیل واریانس یک‌راهه)

و مقایسه زوجی آنها

مقایسه زوجی گروه‌ها (طبقات)		سطح معنی‌داری	درجه آزادی	F	میانگین	گروه‌ها	بعد ارزشی	شاخص
خوانین - مردم عادی شهری اصیل - مردم عادی شهری اصیل - خوانین سادات - مردم عادی سادات - خوانین سادات - شهری اصیل	تعداد نمونه = ۳۵۶	۰/۱۱۱	۳	۲/۱۹	۳۱/۱۷۹۸	سادات	استقلال	آمادگی برای تغییر
	سادات = ۸۹				۲۲/۰۷۴۱	شهری		
	شهری اصیل = ۸۱				۳۲/۳۰۰۰	خوانین		
	خوانین = ۹۲				۲۲/۱۰۳۴	مردم عادی		
	مردم عادی = ۹۴							

سطح معنی داری		تفاوت میانگین		سطح معنی داری		تفاوت میانگین		سطح معنی داری		تفاوت میانگین	
۰/۰۰۰	۴/۱۱۲۷۷	۰/۰۰۰	۱/۹۶۹۸۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۲/۸۲۴۴۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۲/۹۱۵۵۹
۰/۰۰۲	۱/۷۷۲۳۶	۰/۰۰۰	۰/۳۵۹۶۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۸۷۰۷۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۲/۷۴۱
۰/۰۰۰	-۲/۳۳۹۵	۰/۰۰۰	-۱/۶۰۹۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۹۵۳۷۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۷۳۵۰
۰/۰۰۱	-۲/۰۰۳۲۴	۰/۰۱۲	-۰/۷۷۰۵۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۴۷۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۲/۱۲۴۵۵
۰/۰۰۰	-۲/۳۱۹۱۹	۰/۰۰۰	-۲/۷۸۹۷۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱۸۷۷۷۸۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۸۱۰۴
۰/۰۰۰	-۳/۸۷۹۵۹	۰/۰۰۹	-۱/۱۳۹۸۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۱/۹۲۵۵۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۱۲۴۵
۰/۰۰۰											
۳		۳		۳		۳		۳		۳	
۵۴/۱۸۷		۲۲/۴۶۷		۴۳/۸۲۵		۴۸/۷۷۷		۳۸/۷۷۷		۳۸/۷۷۷	
مردم عادی	۲۸۷۲/۱۷	مردم عادی	۱۶۰۵/۲۱	مردم عادی	۰۵۴۳/۹	مردم عادی	۸۴۲۵۵/۱۱	مردم عادی	۸۴۲۵۵/۱۱	مردم عادی	۳۸۳۰/۱۰
مردم عادی	۲۸۷۲/۱۷	مردم عادی	۱۶۰۵/۲۱	مردم عادی	۰۵۴۳/۹	مردم عادی	۸۴۲۵۵/۱۱	مردم عادی	۸۴۲۵۵/۱۱	مردم عادی	۳۸۳۰/۱۰
شهری	۱۹/۲۱	شهری	۱۵/۲۱	شهری	۱۱/۹	شهری	۱۰/۱۱	شهری	۱۰/۱۱	شهری	۷/۶۴۲۰/۳۸۳۰
شهری	۱۹/۲۱	شهری	۱۵/۲۱	شهری	۱۱/۹	شهری	۱۰/۱۱	شهری	۱۰/۱۱	شهری	۷/۶۴۲۰/۳۸۳۰
سادات	۱۵/۲۱	سادات	۱۵/۲۱	سادات	۱۱/۹	سادات	۱۰/۱۱	سادات	۱۰/۱۱	سادات	۷/۶۴۲۰/۳۸۳۰
سادات	۱۵/۲۱	سادات	۱۵/۲۱	سادات	۱۱/۹	سادات	۱۰/۱۱	سادات	۱۰/۱۱	سادات	۷/۶۴۲۰/۳۸۳۰
برابری											
موفقیت											
توجه به خود											

سنت گرامی		همنوایی		امنیت گرامی		وجهه	
شهری	سادات	مردم عادی	خوانین	شهری	سادات	مردم عادی	خوانین
۱۲/۳۹۵۱	۳۰/۳	۱۹/۴۶۸۱	۴۷۸۳/۲۰	۷۹۱۵/۲۰	۲۰/۱۰۸۷	۲۱/۵۱۸۵	۱۲/۷۷۱۷
۱۴	۱۶	۱۹/۴۶۸۱	۴۷۸۳/۲۰	۲۰	۲۰/۱۰۸۷	۲۱/۵۱۸۵	۱۲/۷۷۱۷
۱۹/۳۷۱	۱۹/۳۹۶	۱۹/۳۷۱	۶/۳۹۶	۶/۳۹۶	۶/۳۹۶	۶/۳۹۶	۳/۶۳۶
۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳
تفاوت میانگین	تفاوت میانگین	تفاوت میانگین	تفاوت میانگین	تفاوت میانگین	تفاوت میانگین	تفاوت میانگین	تفاوت میانگین
۷۸۳۳۵۲	۶۲۰۹۱	۸۹۲۰۹	۶۲۰۹۱	۷۸۳۳۵۲	۶۲۰۹۱	۸۹۲۰۹	۶۲۰۹۱
۸۶۰۶۱۰	۸۶۰۶۱۰	۸۶۰۶۱۰	۸۶۰۶۱۰	۸۶۰۶۱۰	۸۶۰۶۱۰	۸۶۰۶۱۰	۸۶۰۶۱۰
۸۵۳۷۰۰	۸۵۳۷۰۰	۸۵۳۷۰۰	۸۵۳۷۰۰	۸۵۳۷۰۰	۸۵۳۷۰۰	۸۵۳۷۰۰	۸۵۳۷۰۰
۳۸۶۳۸۰	۳۸۶۳۸۰	۳۸۶۳۸۰	۳۸۶۳۸۰	۳۸۶۳۸۰	۳۸۶۳۸۰	۳۸۶۳۸۰	۳۸۶۳۸۰
۳۰۰۹۱۰۴	۳۰۰۹۱۰۴	۳۰۰۹۱۰۴	۳۰۰۹۱۰۴	۳۰۰۹۱۰۴	۳۰۰۹۱۰۴	۳۰۰۹۱۰۴	۳۰۰۹۱۰۴
۰/۵۲۷۰۶	۰/۵۲۷۰۶	۰/۵۲۷۰۶	۰/۵۲۷۰۶	۰/۵۲۷۰۶	۰/۵۲۷۰۶	۰/۵۲۷۰۶	۰/۵۲۷۰۶

محافظة کاری

پایگاه و منزلت اجتماعی کمتری دارد، لذا جهت جبران کمبودهای اجتماعی و اقتصادی و با هدف تحرک اجتماعی صعودی، انگیزه بیشتری داشته و مخاطرات رسیدن به این هدف را بیشتر و بهتر قبول میکند. یافته‌های تحقیق نیز بیانگر همین مطلب بوده و انگیزش مردم عادی با سه گروه دیگر، اختلاف معنی دار داشته و بیشتر است.

تقریباً همه گروه‌های مقایسه زوجی غیر از گروه مقایسه ای (مردم عادی/سادات)، از نظر متغیر «لذت‌گرایی» که بیانگر زندگی خوشایند و لذت بردن حداکثری از زندگی است، با همدیگر اختلاف معنی دار آماری دارند. در این میان گروه‌های سادات و مردم عادی (کرمانج)، نسبت به دو گروه شهری اصیل و خوانین (آغوات) تمایل کمتری به لذت‌گرایی دارند و این نتیجه با توجه به تمایلات نسبی و اعتقادات مذهبی مردم عادی و مخصوصاً سادات، دور از انتظار نیست.

در تحقیق حاضر، منظور از متغیر «موفقیت»، جاه‌طلبی و تمایل به توفیق است. نتایج، بیشترین میزان این شاخص را در قشر خوانین نشان می‌دهد که با سه قشر بقیه اختلاف معنی دار آماری دارد؛ این نتیجه با توجه به سوابق اجتماعی و خوی و منش اربابی این قشر خاص، طبیعی به نظر می‌رسد. همچنین متغیر «قدرت» تنها متغیری است که اختلاف میزان آن در همه گروه‌های مقایسه زوجی معنی دار است. این متغیر بیانگر تمایل به اقتدار و امر و نهی کردن است. بیشترین تمایل به این متغیر را به ترتیب در قشرهای خوانین، شهری اصیل، مردم عادی و سادات میتوان مشاهده کرد. منظور از شاخص «وجهه» در این پژوهش، نیکنامی و عدم تحقیر و شرمندگی توسط دیگران است و نتایج پژوهش نیز عدم تفاوت گروه‌های مختلف غیر از دو گروه (شهری اصیل/خوانین) را نشان میدهد.

طبق نتایج تحقیق تمایل به سالم ماندن در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی (شاخص امنیت)، در بین گروه شهری اصیل از سایر گروه‌ها بیشتر بوده و با گروه‌های خوانین و سادات اختلاف معنی دار دارد. این نتیجه، ویژگی محافظه‌کارانه افراد گروه شهری اصیل (سابلاغی) را نمایان می‌سازد. متغیر همنوایی، بیانگر میزان پیروی از مقررات و خویشتن‌داری فرد است. اختلاف میزان همنوایی در بین دو گروه زوجی (شهری اصیل/مردم عادی) و (شهری اصیل/سادات)، معنی دار است و نشان‌دهنده سازگاری بیشتر گروه شهری اصیل است. این نتیجه را میتوان همخوان با نتیجه شاخص امنیت دانست که بیانگر شدت میزان محافظه‌کاری در قشر شهری اصیل است.

اعتقاد و احترام به رسوم خانوادگی، ارزش‌ها و باورهای سنتی و مذهبی در بین افرادی که خصوصیات جوامع عشیره‌ای و غیر شهری را دارند، بیشتر است؛ نتایج تحقیق، خصوصیات شاخص «سنت» را به میزان نسبتاً کمی در گروه شهری نشان می‌دهد که با سه گروه دیگر (خوانین، سادات و مردم عادی)، تفاوت معنی دار آماری دارد. متغیر خیرخواهی نشان‌دهنده میزان

احساس مسوولیت و کمک به نزدیکان می باشد که این خصوصیت در بین گروه‌های مردم عادی و شهری اصیل به صورت معنی داری متفاوت است.

شاخص «عامگرایی»، بیانگر اهمیت دادن به رفاه و سلامتی عموم مردم، پذیرش، تحمل و نیز ارزش‌های محیط زیستی است. میزان اختلاف گروه‌های زوجی این شاخص غیر از گروه (مردم عادی/سادات)، در بقیه گروه‌های مقایسه زوجی معنی دار بوده و مقدار این شاخص در گروه شهری اصیل از همه گروه‌ها بیشتر و در گروه خوانین از بقیه گروه‌ها کمتر است. با توجه به وجود خصوصیات شهرنشینی و مدنیت بیشتر این قشر، وجود و اهمیت بیشتر ارزش‌های فرامادی گرایانه‌ای مانند دفاع از طبیعت و رفاه عمومی، منطقی به نظر می‌رسد.

در کل نتایج تحقیق حاضر، همسو با کارهای پژوهشگران قبلی از جمله جواهری، قاسمی، لهسایی زاده و ملکی و نیز تایید کننده نظریات اینگلهارت و بوردیو در زمینه ارتباط بین قشرها و ارزش‌های اجتماعی است.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر.
۲. آبراهامیان، پروانده. (۱۳۷۹). مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، نشر شیراز، تهران.
۳. بارنز و بکر. (۱۳۷۰). تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان و علی اصغر مجیدی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۴. بحری، احمد. (۱۳۹۳). «کره کرمانج»، ماهنامه اجتماعی، فرهنگی و ادبی مه‌آباد، سال چهاردهم، شماره ۱۶۶.
۵. تامین، ملوین. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی و قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات توتیا، تهران.
۶. جواهری، فاطمه. (۱۳۸۶). «بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان بر گرایش‌ها و رفتار آنان»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۶.
۷. خضری، سعید. (۱۳۸۸). «جغرافیای تاریخی مکرریان در چهار سده اخیر»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، بهار ۱۳۸۸، شماره ۹۲.
۸. خلیفه، عبدالطیف محمد. (۱۳۷۸). بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها، ترجمه سید حسین سیدی، انتشارات آستان قدس رضوی.
۹. ربانی، رسول و ابراهیم انصاری. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت).
۱۰. رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، انتشارات گروس، تهران.
۱۱. ریتزر، جورج. (۱۳۸۴). نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۲. ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، تهران، چاپ سوم.
۱۳. سیدمن، استیون. (۱۳۸۸). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، تهران: چاپ دوم.
۱۴. صمدی، سید محمد. (۱۳۷۳). تاریخ مه‌آباد، انتشارات رهرو، مه‌آباد.
۱۵. صمدی، سید محمد. (۱۳۸۰). طوایف و عشایر کرد، سندی جالب از روزگار ناصرالدین شاه قاجار، انتشارات رهرو، مه‌آباد.

۱۶. قاجار، نادر میرزا. (۱۳۸۹). قیام شیخ عبیداله نهری و حمزه آقای منگور: قسمتی از کتاب تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، ترجمه کردی: محمد امین بیژنی، انتشارات هیوا، مهاباد.
۱۷. قاسمی، وحید و رضا صمیم. (۱۳۸۷). «مطالعه ای پیرامون رابطه قشر بندی و مصرف فرهنگی با استفاده از داده هایی در زمینه مصرف موسیقایی در شهر تهران»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
۱۸. قاسمی، وحید و دیگران. (۱۳۸۹). «شناخت تاثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان»، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره اول، بهار ۱۳۸۹ (پیاپی ۳۷).
۱۹. کوئن، بروس. (۱۳۸۸). درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر توتیا، تهران، چاپ هفتم.
۲۰. غرب، ادوارد ج. (۱۳۷۹). نابرابری اجتماعی: دیدگاههای نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، مترجمان محمد سیاهپوش و احمد رضا غروی زاد، تهران: نشر معاصر.
۲۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشرنی، تهران
۲۲. لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۵). «آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان»، نوآوری های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷، ۴۲-۱۱.
۲۳. لهسایی زاده، عبدالعلی و همکاران. (۱۳۸۳). «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر پایبندی به ارزشهای دینی؛ مطالعه موردی: دانش آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز»، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره اول.
۲۴. مامندی، سعید. (۱۳۹۵). ایل گورک: تاریخ و گستره ایل گورک در ایران، انتشارات هیوا، مهاباد.
۲۵. مدرس، عبدالکریم. (۱۹۹۵). بنه ماله ی زانیاران (کردی)، نشر مطبوعه اشفیک، بغداد.
۲۶. ملک، حسن. (۱۳۸۲). جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۷. ملکی، امیر. (۱۳۷۵). «بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده با گرایشهای ارزشی نوجوانان - دانش آموزان ذکور سال سوم ریاضی فیزیک و تجربی تهران در سال تحصیلی ۵-۱۳۷۴»، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۸. مینورسکی، ولادیمیر. (۱۳۷۸). کرد، تاریخ، زبان و فرهنگ، ترجمه محمد رؤف یوسفی نژاد، نشر سهیل، تهران.
۲۹. وثوقی، منصور. (۱۳۹۱). جامعه شناسی روستایی، انتشارات کیهان، تهران، چاپ پانزدهم.
۳۰. هالباکس، موریس. (۱۳۶۹). طرح روان شناسی طبقات اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران.

منابع انگلیسی

31. Crompton, Rosemary. (1993). Class and stratification. Polity press, London.
32. Davis, Kingsley & Wilbert E. Moor. (1945). " Some principles of

- stratification” , in, R . Bendix and S . M . Lipset , Class , Status and Power, London: Routledge & Kegan Paul Ltd.
33. Dehghani, Marzieh and etall. (2011).”The role of students socio-cultural and individual factors in their value attitudes”, Procedia -social and behavioral sciences, Vol.15.
 34. Grusky .D.B.(2001) . ” social stratification ”, International Encyclopedia of social & ehavioral Sciences , P.P (1444-14452).
 35. Schwartz, S.H .(1992).”Universal in the content and structure of values: theoretical advances and empirical test in 20 countries”, Advances in experimental social psychology, N .23, p: 1-65.
 36. Kilbourne, William and etall. (2005).”A cross-cultural examination of the relationship between materialism and individual values”, Journal of economic psychology, Vol.26,issue 5.
 37. Hornby , A . S. (2005). “Oxford advanced learner dictionary of current English” , Sally Wheezier Oxford university press.

